اخبار

«بچه مهندس ۳» با بازیگران جدید می‌آید

به گزارش فارس، پیش تولید فصل سوم سریال «بچه مهندس» به کارگردانی علی غفاری و تهیه‌کنندگی سعید سعدی به روزهای پایانی نزدیک می‌شود و تصویربرداری از اوایل خرداد آغاز خواهد شد.

هنوز بازیگر نقش جواد جوادی انتخاب نشده و گروه در حال بازنگری در نگارش متن‌های این سریال هستند.

در فصل یک و ۲ این سریال بازیگران مشترکی حضور داشتند که بنا به فاصله زمانی بین این دو فصل گریم شده بودند. اما برای فصل سه بچه‌مهندس همه بازیگران جدید هستند و هیچ بازیگر مشترکی با فصل‌های قبلی در این فصل حضور ندارد.

داستان سریال بچه مهندس به کارگردانی علی غفاری و تهیه‌کنندگی سعید سعدی در تاریخ معاصر و در سه فاز کودکی، نوجوانی و جوانی شخصیت اصلی مطرح می‌شود.

پرویز پورحسینی، بهاره رهنما، اندیشه فولادوند، بهناز جعفری، افشین نخعی، سلمان فرخنده، سیاوش چراغی‌پور، فرزین محدث، سوگل طهماسبی، عباس جمشیدی‌فر و حمید شریف‌زاده از بازیگرانی هستند که هم در فاز یک و هم در فاز ۲ حضور دارند که در کنار آنها بازیگران دیگری هم به کار پیوسته‌اند. پیش از این سیما تیراندازِ، علی اوسیوند، نسرین نکیسا، مهران نائل، صحرا اسداللهی، فرج‌ا... گلسفیدی و سیامک اشعریون هم به این سریال اضافه شده بودند و مانی رحمانی نقش نوجوانی جواد را بازی می‌کند.

«زنبق‌های پدر» پاسداشتی از یک معلم

مستند «زنبق‌های پدر» به کارگردانی نفیسه توتونی در جدیدترین قسمت از فصل سوم برنامه «به اضافه مستند» روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.

به گزارش جام جم، بیستمین قسمت از برنامه تلویزیونی به اضافه مستند، با پخش و بررسی مستند زنبق‌های پدر به کارگردانی نفیسه توتونی از شبکه مستند پخش خواهد شد. این قسمت از برنامه به اضافه مستند، به مناسبت روز معلم و گرامیداشت آنان روی آنتن می‌رود.

در این قسمت و پس از پخش مستند، دکتر علیرضا عصاره، دانشیار و مدیر گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید رجایی و نفیسه توتونی، کارگردان مستند زنبق‌های پدر مهمان برنامه خواهند بود و با موضوع تغییرات ساختاری در سیستم آموزشی کشور و نقش تکنولوژی آموزشی در بهبود کیفیت تعلیم و تربیت صحبت خواهند کرد. علاوه بر این، محمدتقی فهیم و سعید قطبی‌زاده به نقد و بررسی فرمی این مستند خواهند پرداخت.

مستند زنبق‌های پدر، پرتره‌ای از زندگی حرفه‌ای و یک عمر تلاش بی‌وقفه دکتر داریوش نوروزی، از استادان برجسته و بنیانگذاران رشته تکنولوژی آموزشی در ایران است. این مستند، علاوه بر آن‌که به شناسایی این رشته نوپا می‌پردازد، سعی دارد ویژگی‌های انسانی معلمی که عاشقانه و با تمام وجود برای تعلیم و تربیت کوشیده است را به تصویر بکشد و از این منظر، پاسداشتی بر زحمات تمام معلمان کشور داشته باشد.

مستند ۶۰ دقیقه‌ای زنبق‌های پدر که به کارگردانی و تهیه‌کنندگی نفیسه توتونی ساخته شده است، برای اولین بار در برنامه به اضافه مستند و به مناسبت روز معلم رونمایی خواهد شد. این قسمت از برنامه روز سه‌شنبه ۱۰ اردیبهشت ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه از شبکه مستند پخش خواهد شد و بازپخش آن روزهای چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ساعت ۹ و جمعه ۱۳ اردیبهشت ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه است.

به اضافه مستند، مجموعه برنامه تلویزیونی شبکه مستند است که به پخش مستندهای دیده نشده در تلویزیون و بحث کارشناسی پیرامون موضوع مستند می‌پردازد.

ادله بقای اثبات جاودانگی پس از مرگ در برنامه «رواق معرفت»

رادیو معارف در برنامه «رواق معرفت» به اثبات امکان جاودانگی و حیات پس از مرگ با ادله تجربی می‌پردازد. به گزارش روابط‌عمومی رادیو معارف؛ بقا و جاودانگی، گمشده و خواسته فطری انسان است و شاید به همین دلیل سوالات بی‌شماری در ذهن دارد که یکی از آنها می‌تواند جاودانگی و حیات پس مرگ باشد. به همین دلیل برنامه رواق معرفت در ادامه مباحث پیشین خود به تبیین میل به جاودانگی و ادله بقای اثبات جاودانگی خواهد پرداخت.

این برنامه که امروز روی آنتن می‌رود؛ باکارشناسی حجت‌الاسلام دکتر محمدباقر قیومی به موضوعاتی همچون اثبات امکان جاودانگی و حیات پس از مرگ با ادله تجربی، اقوال مختلف در مورد جاودانگی، مبحث تناسخ و.... می‌پردازد.

برنامه رواق معرفت به همت گروه فقه و اندیشه به تهیه‌کنندگی وسردبیری علی برخورداری و مجری کارشناسی دکتر محمدجواد فلاح روزهای سه‌شنبه ساعت ۱۴ و ۱۵ دقیقه از رادیو معارف روی آنتن می‌رود.

مجید واشقانی در سریال روزهای بی‌قراری

گفت‌وگو با مجید واشقانی، بازیگر سریال روزهای بی‌قراری:

دیکته نوشته شده غلط هم دارد!

فاطمه عودباشی
رسانه

وقتی با مجید واشقانی هم‌صحبت شوید، متوجه خواهید شد از آن دست بازیگران است که به هیچ وجه مدعی نیست. اگر کارش را درست انجام بدهد، تمام قد می‌ایستد و دفاع می‌کند و اگر در اثری بازی کند که نقاط ضعفی دارد، بدون آن‌که انکار کند با صراحت درباره‌اش حرف می‌زند و مشکلی با این موضوع ندارد. این اتفاق را در کمتر بازیگری می‌توان سراغ داشت، زیرا کار ضعیف هم باشد، معمولا بازیگران ادله بی‌اساسی می‌آورند و توجیه می‌کنند. این بازیگر اعتقاد دارد در نهایت بیننده است که قضاوت می‌کند. حال ممکن است بیننده هم سلیقه‌ای برخورد کند یا کارشناسی، اما آنچه او سعی می‌کند این است که کارش را به زعم خودش درست انجام بدهد. رشته تحصیلی واشقانی ارتباطی با بازیگری ندارد، اما علاقه‌اش باعث شد در کلاس‌های بازیگری شرکت کند و وارد این عرصه شود.

او با بازی در سریال تلویزیونی «مسیر انحرافی» کارش را در دنیای بازیگری آغاز کرد. این هنرمند طی این سال‌ها در سریال‌های تلویزیونی همچون کمین، مرز آفتاب، زیر هشت، هوش سیاه ۲، ماتادور، انقلاب زیبا و میکائیل، دیوار شیشه‌ای و... نقش‌های متفاوتی را تجربه کرده است.

واشقانی هرگز لباس یک کاراکتر را نپوشیده و در انتخاب‌هایش سعی کرده شخصیت‌های متفاوت را اجرا کند. البته او تا امروز سه بار لباس پلیس تن کرده و در سریال‌های زیر هشت، هوش سیاه ۲ و ماتادور این نقش را به عهده داشته است. واشقانی در چند فیلم سینمایی هم بازی کرده است.

این بازیگر تجربه اجرا را هم کنار بازیگری دارد و برنامه پنجره‌ها را اجرا کرده است. البته او قبل از آن‌که اجرای این برنامه را بپذیرد، علاقه‌مند به برنامه‌های گفت‌وگو محور داخلی و خارجی بوده و چنین برنامه‌هایی را به دلیل علایق شخصی دنبال می‌کرده است. این روزها بینندگان تلویزیون شاهد بازی این بازیگر در فصل دوم سریال تلویزیونی روزهای بی‌قراری هستند. او در این سریال در نقش منصور ظاهر شده که برادر سارا شخصیت محوری قصه است. منصور، برادری است که بعد از اعتراف مرجان متوجه می‌شود نسبت واقعی با خواهرش ندارد، اما به‌رغم شوکه شدنش از این ماجرا، تمام قد کنار خواهرش می‌ایستد و همراه او می‌شود تا بتواند هویت گذشته خواهرش را پیدا کند. در این سریال به دلیل اتفاقات قصه، بینندگان شاهد بازی پر از تنش و به قول معروف انفجاری از او هستند که کمتر از او شاهد بودند. همین نقش آفرینی بهانه‌ای شد تا درباره این سریال با او به گفت‌وگو بنشینیم.

شما در فصل دوم سریال روزهای بی‌قراری نقش منصور را بازی می‌کردید، در حالی که این کاراکتر را در فصل اول کامران تفتی به عهده داشت. زمانی که این نقش پیشنهاد شد، آیا فصل یک را دیده بودید که حال و هوای سریال دستتان بیاید و در جریان قصه قرار بگیرید؟

قرار بود در فصل اول این سریال شخصیت دیگری به غیر از منصور را بازی کنم که البته بعدها در قصه این شخصیت تغییر کرد. در آن مقطع زمانی، من سر سریال برادر بودم و به لحاظ گریم تداخل پیدا می‌کرد، به همین دلیل نتوانستم در فصل اول سریال روزهای بی‌قراری حضور داشته باشم.

بعد از این‌که نتوانستم سر این سریال بروم، نقش خیلی تغییر کرد که البته نام شخص را یادم نیست. فقط به یاد دارم کشتی گیر بود و بیماری قلبی داشت، ولی نسبت به فصل یک سریال آشنایی داشتم. وقتی برای بازی در فصل دوم هم با من تماس گرفتند و فیلمنامه را خواندم، پذیرفتم. به نظرم قصه فصل یک خیلی مرتبط با فصل دوم نبود که در هم تنیده شده باشند. یکی از اتفاقاتی که در فصل یک افتاده بود، جریان سارا بود که بخشی از این اتفاقات فتح بابی شد تا قصه فصل دوم سریال روزهای بی‌قراری شروع شود.

شخصیت منصور در فصل یک با فصل دو تفاوت دارد. به همین دلیل پرسیدم آیا فصل یک را دیده بودید که راکورد نقش منصور را در فصل دوم حفظ کنید؟

شخصیت منصور فصل دو خیلی ارتباطی با فصل یک نداشت، اما من فصل یک سریال روزهای بی‌قراری را دیده بودم، ولی به هیچ وجه نخواستم حفظ راکورد کنم و هیچ وقت هم این کار را نمی‌کردم. با این موافق هستم که منصور فصل یک با منصور فصل دو خیلی تفاوت دارد، زیرا فقط سارا مشترک فصل یک با ۲ است. در مجموع قصه فصل دو مجزا از فصل یک است و زمانی که من در این سریال بازی کردم به چشم فصل ۲ یک سریال نگاه نکردم و یک سریال مستقل دیدم، چون قصه فصل دوم با فصل یک تنیده نشده بود و فقط شخصیت سارا مشترک بود. در واقع برای من روزهای بی‌قراری ۲ نبود، بلکه یک سریال جدا به نام روزهای بی‌قراری بود که من بازی کردم.

وقتی این نقش پیشنهاد شد کدام یک از ویژگی‌های شخصیت منصور را دوست داشتید که پذیرفتید، چون ما خیلی شاهد بچه قصه‌ها در این سریال نیستیم که برای مخاطبان هیجان‌انگیز باشد و برایش همراه با تعلیق باشد؟

خیلی داستان ما شخصیت محور نبود و باوجود این‌که داستان طوری پیش می‌رود که ما شاهد قصه‌های زندگی سارا و منصور هستیم و اتفاقاتی که در خانواده آنها می‌افتد. مزیت قصه روزهای بی‌قراری این بود که اتفاق محور بود تا شخصیت محور.

در واقع اتفاقی شکل گرفت که باعث شد شخصیت‌ها وارد یک جریان داستانی شوند و پیش بروند که البته به نظرم یک جاهایی داستان ما ریتم خود را از دست داد و یکسری بچه قصه‌هایی باید به قصه اضافه می‌شد که نشد و ما در ۳۰ قسمت کار این داستان را به این شکل پیگیری کردیم که سارا متوجه می‌شود پدر و مادرش افراد دیگری هستند و او همراه برادرش منصور راه می‌افتند تا به واسطه فرش و شواهد دیگری که به دست می‌آورند، اصل و نسب سارا را کشف کنند که می‌کنند.

از آن طرف ما یک قصه موازی داشتیم که آقای آذرنگ بازی می‌کرد و کشمکش بین او و خانم بایگان بود. بهتر بود قصه‌های موازی دیگری هم داشتیم که در قصه اصلی تنیده می‌شد که شخصیت‌های سارا و منصور را دچار چالش و بحران‌های هیجان‌انگیزتری برای تماشاگر می‌کرد، ولی متاسفانه این اتفاق در متن کمتر افتاد و به نظرم کمی باعث لختی و ضرباهنگ کند کار در برخی بخش‌های کار شد.

با توجه به این‌که خط اصلی قصه تکراری است و آنچه باعث می‌شد به ضرباهنگ قصه هیجان بدهد، مسلما بچه قصه‌ها در کار بود. قبل از آن‌که کار تولید شود، پیشنهادی ندادید که بهتر است این اتفاق بیفتد؟

قرار بود این اتفاق بیفتد. روز اول فیلمنامه کامل نبود و تا جایی که ما خواندیم به دلیل اتفاقاتی که می‌افتد، قصه هیجانش را داشت، چون خوب شروع می‌شد، مخاطب با یک اتفاق رو به رو می‌شد و این‌که سارا بچه خانواده‌ای که فکر می‌کرد باشد، نیست.

از آن طرف سر و کله یک خانم با فرش پیدا می‌شد و این قصه هیجان انگیز بود. از اینجا به بعد قصه را نداشتیم و قرار بود بچه قصه‌ها در مسیری که این خواهر و برادر می‌روند و به دنبال اصل و نسب سارا می‌گردند، شکل بگیرد که این پیش نیامد و ما وارد فضای تولید شدیم.

تجربه نشان داده وقتی تولید کار آغاز می‌شود، حرف‌هایی که قرار است اتفاق بیفتد، تحت‌الشعاع تولید قرار می‌گیرد. آن هم در شرایطی که تولید گران و سخت است، فرصتی نیست که فیلمنامه روتوش شود. البته من به شخصه می‌دیدم که آقای شریفی، تهیه‌کننده سریال ۲۴ ساعته گوشی به دست دارد و سکانس به سکانس سریال را که در شهرهایی همچون مشهد و تبریز بودیم با نویسنده روتوش می‌کرد و می‌خواست بهتر شود.

وقتی فیلمنامه به دست گروه تولید می‌رسید هم با آقای معصومی کارگردان، آقای شریفی تهیه‌کننده و دیگر بازیگران حرف می‌زدیم تا ریتم سریال شکل و شمایل بهتری بگیرد. من الان می‌توانم از کار تعریف کنم که نقاط تعریفی هم بسیار دارد، اما من کسی هستم که نسبت به ایرادهای کارم بعد از پخش هم بی‌توجه نیستم و اگر ایرادی باشد، حتما می‌گویم. البته باید بگویم هر آنچه نقاط مثبت در کار می‌بینید یا نقاط منفی، مربوط به همه است و همه در آن دخیل هستند.

این خیلی خوب است که شما کارتان را هم نقد می‌کنید، معمولا بازیگران این کارها را انجام نمی‌دهند.

به دلیل این‌که من نظرات مردم را هنگام پخش سریال‌هایم می‌شنوم و نقدشان هم این بود که قصه در برخی بخش‌ها نیاز به هیجان بیشتری داشت، اما از آن طرف باید بگویم که کار شسته و رفته و تمیز است و کارگردانی محترمی دارد. ضمن این‌که ما در شرایط سخت این کار را ساختیم.

آقای شریفی دست خالی این کار را ساخت. خیلی فشار مالی داشت، آن هم با این پروداکشن سنگین. واقعا بردن حدود ۵۰ نفر به شهرهای دیگر (چون کار در مشهد و تبریز ضبط می‌شد) و به مدت طولانی، واقعا سخت بود و نیاز به حمایت مالی زیاد داشت، اما خیلی از ما حمایت نشد، حتی خبر دارم که او درگیر وصول طلب‌هاست.

وقتی در چنین کارهایی دعوت می‌شوید که فیلمنامه نصف و نیمه است، اما بعد در تولید نظرتان تامین نمی‌شود، پشیمان می‌شوید که چرا این کار را قبول کردید؟

من تا امروز ۱۷ تا ۱۸ سریال بازی کردم، اما یک سریال هم نبود که فیلمنامه از قسمت اول تا پایان نوشته شده باشد. یا شاید هم بوده، اما من تا به حال تجربه نکرده ام. همیشه یا فیلمنامه نداشتیم یا نصفه بود یا تغییرات اساسی در قصه داشتیم. همیشه ده قسمت، پنج قسمت، طرح و... بود.

این اتفاق بسیار بد است. شما از بقیه بازیگران هم بپرسید همین را می‌گویند. همین الان برای اولین بار این اتفاق افتاده که فیلمنامه ۵۰ قسمت کامل یک سریال به نام از سرنوشت به تهیه‌کنندگی آقای تحویلیان را به من تحویل دادند تا بخوانم، اما هیچ وقت این طور نبوده و متاسفانه قاعده هم شده در تلویزیون ما که فیلمنامه‌ها کامل نیستند و کار کلید می‌خورد. این بد است که شما به عنوان بازیگر نمی‌دانید تا پایان قصه قرار است چه اتفاقی بیفتد. مسلما در این مواقع فشار زیادی روی تهیه‌کننده، کارگردان، بازیگران و عوامل تولید است.

بعد از این‌که سارا و منصور به واسطه مرجان متوجه می‌شوند خواهر و برادر واقعی نیستند، سارا بهت زده می‌شود و از شما شاهد یک بازی انفجاری هستیم که خشمتان را در چهره و دیالوگ‌ها می‌بینیم. آیا این در فیلمنامه بود یا خودتان به کارگردان پیشنهاد دادید؟

فیلمنامه روایتگر داستان است و بازیگر را هدایت نمی‌کند، بلکه خود بازیگر و کارگردان هستند که بازی را هدایت می‌کنند. هنگام تمرین ما به این نقطه رسیدیم. می‌دانستم که می‌خواهم از نقطه صفر به فینال برسم. وقتی سارا متوجه قصه واقعی زندگی‌اش می‌شود، دچار شوک زدگی می‌شود و دیالوگ نمی‌گوید، به همین دلیل بهتر بود که من یک بازی انفجاری داشتم که مخاطب متوجه بحرانی شود که وارد خانواده شده است.

به نظرتان بهتر نبود هر دو یعنی سارا و منصور واکنش هیجانی داشتند؟

نه، اگر قرار بود هر دو رفتار هیجانی و انفجاری داشته باشند، شلوغ می‌شد و اگر هر دو بهت زده می‌شدند بی‌خاصیت می‌شد. بهترین حالت این بود که یکی بهت زده و دیگری انفجاری شده تا هیجان هم به مخاطب وارد شود و متوجه چالش خانواده شود. به نظرم این کنتراست بین رفتار سارا و منصور درست بود و به‌رغم این‌که شکل بازی من به این شکل نیست که رفتارهای هیجانی و گل درشت داشته باشم، اما در قصه سریال روزهای بی‌قراری لازم بود که این طور عمل کنم.

به غیر از ریتم قصه که اشاره کردید، بازخورد کار را چطور دیدید؟

دیکته نوشته شده حتما غلط هم دارد، اما آنچه اهمیت دارد این که من هم نقاط مثبت کار را می‌بینم و هم منفی. سریال ما یک کار محترم است و اشکالاتی هم دارد که فقط صرفا مربوط به قصه است و چیز دیگری نیست، اما باید نگاه کنید که گروه یک سال زحمت کشیدند.

تهیه‌کننده کلی دوندگی کرده تا این کار ساخته شده است. البته نمی‌خواهم بگویم که مشکل نویسنده است، به هر حال در هر کاری آزمون و خطا وجود دارد. من هم گاهی بازی خودم را می‌بینم و همان لحظه می‌گویم که بهتر بود بازی‌ام طور دیگر بود. چیزی که خیلی اهمیت دارد، این است که ما بیننده را دست‌کم نگرفتیم و اگر مردم نقدی هم درباره ریتم کار کردند، مشخص است که سریال ما دیده می‌شود. اگر ریتم کمی تندتر بود، می‌توانم بگویم سریال کم‌نقصی می‌شد. کلیت کار را دوست دارم. آقای شریفی، تهیه‌کننده‌ای است که چند صد فیلم سینمایی، سریال و تله‌فیلم تولید کرده و کارش را بلد است. آقای معصومی، کارگردان موجه و کاربلد است که تلویزیون و سینما را خوب می‌شناسد. انتخاب بازیگران خیلی خوب بود. اینها نقاط قوت کار است که دوست دارم. نظری که درباره ریتم هم دادم، هنری است نه سلیقه‌ای. در مجموع کلیت سریال روزهای بی‌قراری را دوست دارم.

واشقانی:
با این موافق هستم که منصور فصل یک با منصور فصل ۲ خیلی تفاوت دارد، زیرا فقط سارا مشترک فصل یک با ۲ است. در مجموع قصه فصل ۲ مجزا از فصل یک است و زمانی که من در این سریال بازی کردم به چشم فصل ۲ به آن نگاه نکردم

نقش بی‌بدیل رسانه ملی در ثبت یک رکورد

رئیس سازمان داوطلبان هلال احمر با اشاره به جذب ۱۵۰ میلیارد تومان کمک نقدی مردم برای رسیدگی به مناطق سیل‌زده از نقش بی‌بدیل صدا و سیما در جذب این مشارکت کم نظیر گفت.

به گزارش روابط عمومی معاونت سیما، نشست هماهنگی معاونت سیمای جمهوری اسلامی با سازمان هلال احمر درباره سیل اخیر با حضور رضا پورحسین قائم مقام معاون سیما، محمد نصیری رئیس داوطلبان سازمان هلال احمر، اسماعیل رمضانی مدیرکل روابط عمومی هلال احمر، مهدی سالم مدیر شبکه امید و مدیران پخش شبکه‌های یک، دو و پنج سیما در شبکه امید برگزار شد. قائم‌مقام معاون سیما در این نشست گفت: اطلاع رسانی سریع و دقیق، آموزش مسائل در زمان بروز حادثه، ارتباط زنده مستمر با مناطق سیل‌زده و انعکاس حس نوعدوستی مردم با ارسال کمک به مناطق سیل زده از جمله اقدامات شبکه‌های تلویزیون است.

رضا پورحسین افزود: از دیگر مسائل مهم و مورد نیاز مردم سیل‌زده توجه به موضوعات روحی و روانی است که در این خصوص نیز شبکه‌ها به صورت ویژه و تخصصی شبکه سلامت، ویژه برنامه‌هایی را تدارک دیده‌اند.

وی خاطرنشان کرد: مردم مناطق سیل‌زده مطمئن باشند تلویزیون و مردم تا پایان مشکلات در کنارشان خواهند بود. همچنین محمد نصیری، رئیس سازمان داوطلبان هلال احمر گفت: رسانه ملی موثرترین رسانه عمومی کشور است، لذا آمادگی داریم در موضوع آموزش‌های مواجهه با حوادث طبیعی مثل سیل، زلزله، رانش زمین و... با سازمان همکاری کنیم.

رئیس سازمان داوطلبان هلال احمر با اشاره به رشد سه‌برابری کمک‌های مردمی در حادثه سیل در مقایسه با زلزله کرمانشاه تصریح کرد: تا امروز ۱۵۰ میلیارد تومان کمک نقدی مردم به حساب هلال احمر برای جبران خسارات سیل و کمک به مردم این مناطق واریز شده است که رسانه ملی با همکاری و حمایت سازمان هلال احمر در ثبت این رکورد نقش بی‌بدیلی داشت.

وی ادامه داد: مسأله دیگری که در بحران‌ها وجود دارد شایعات است. پاسخگویی به شایعات یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که رسانه ملی در این زمان‌ها می‌تواند انجام دهد. مثلا وقتی در فضای مجازی شایعه شد فلان سد شکسته شده، پخش تصویر زنده سد در شبکه‌های تلویزیون آرامش را به مردم برگرداند.

نصیری ضمن قدردانی از اقدامات و توجه تلویزیون به موضوع سیل و انعکاس اقدامات و خدمات دستگاه‌های مسؤول گفت: حضور عوامل «خندوانه» در روزهای اخیر در خوزستان در بالا بردن روحیه مردم بسیار موثر بود.